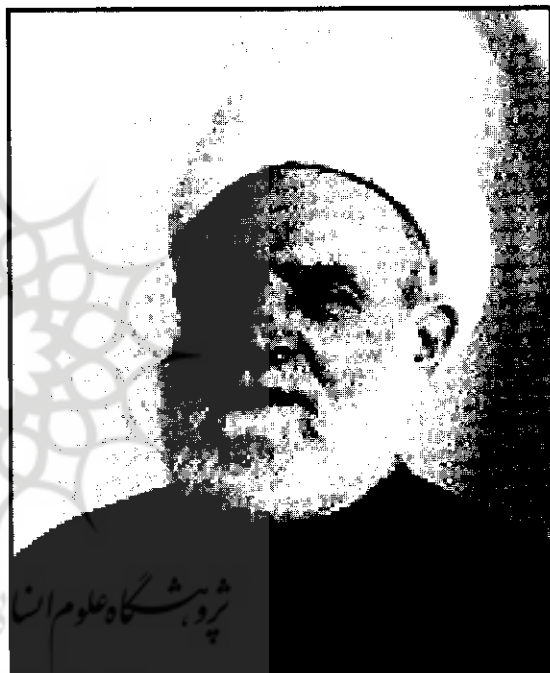


# جامعه سیاسی اسلامی مبانی فقهی و تاریخی

○ غلامرضا داودی



- جامعه سیاسی اسلامی (مبانی فقهی و تاریخی)
- آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین
- ترجمه و تحشیه: دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی
- انتشارات دانشگاه تهران

## اثری ارزنده و آموزنده

یکی از دهها آثار قلمی آیت الله حاج شیخ محمد مهدی شمس الدین کتاب «فی الاجتماع السياسي الاسلامي (المجتمع السياسي الاسلامي، محاولة تأصيل فقهی و تاریخی)» می باشد، اصولاً تألیفات این شخصیت به طور عمده در زمینه قضایای تاریخی و معاصر اسلام است و در کنار آن آثاری در زمینه مسایل سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به چشم می خورد. یکی از ویژگی های نوشتارهای ایشان افکار و اندیشه های جدید و سنجیده است که به آنها امتیاز خاصی بخشیده است.

از قضایا و دل مشغولی های دانشوران مسلمان موضوع حکومت اسلامی است و همین مسئله از مباحثی است که همیشه فکر و ذهن آیت الله شمس الدین را به خود مشغول داشته است. از این رو نخستین اثر خود را درباره نظام حکومتی و مدیریت در اسلام به سال ۱۳۴۵ هـ. ش به رشته تألیف درآورد که در طبع دوم با تجدینظر کلی در سال ۱۳۶۰ هـ. ش با نام «نظام الحکوم و الادارة فی الاسلام» در لبنان به چاپ رسید

و در ایران نیز ترجمه شد. آیت الله شمس الدین پس از پدید آوردن این اثر، دست اندرکار کتاب «فی الاجتماع السياسي الاسلامي» در سال ۱۴۱۱ هـ. ق گردید و اولین طبع آن در سال ۱۴۱۴ هـ. ق در قم توزیع گردید تا آن که دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی به سال ۱۳۷۸ هـ. ش آن را به زبان فارسی برگردانید و دانشگاه تهران در ۳۵۵ صفحه و در قطع وزیری به سال ۱۳۸۰ نسبت به نشر آن مبادرت ورزید.

در این اثر بحث عمده از جامعه سیاسی اسلامی و به تعبیری دیگر تأسیس حکومت در اسلام و بحث از چگونگی تکوین عناصر اصلی تشکیل دهنده آن است، مؤلف محترم درباره این نوشتار می گوید:

«نوشتاری که اکنون پیش روی خوانندگان قرار دارد، کتابی است که در آن به بحث راجع به جامعه سیاسی اسلامی و چگونگی تکوین و عناصر تشکیل دهنده آن و موضوع حکومت و دولت اسلامی پرداخته ایم... برآیند مجموع بحث هایی که در این زمینه انجام داده ایم آن بود که «طرح تشکیل حکومت» در عرصه نظری نتیجه حتمی و

دشمنان حرکت‌های اسلامی تقدیم داشت تا استکبار به جهانیان نشان بدهد و بگوید که حاصل و نمونه جامعه اسلامی و حکومت اسلام‌گرا ارمغانی جز این وقایع ناهنجار نیست.

پیش فرض آیه‌الله شمس‌الدین بر این حقیقت استوار است که موفق‌ترین و دقیق‌ترین روش‌های تحقیق در این موضوع روشی است که تحقیق در مسایل سیاسی جامعه، دولت، نظام و حکومت اسلامی بر این اساس باشد که همه احکام اسلامی تنگاتنگ در تار و پود و بافتی منسجم است و احکام کلی و جزئی، عقیده و شریعت از هم تفکیک‌ناپذیرند و هر اصلی و قاعده و حکمی از آن می‌باشد، بنابراین حکومت در اسلام نه قسمتی از فقه است و نه فصولی و بایی از باب‌های آن بلکه نظام حکومت میوهٔ شجرهٔ طیبهٔ اسلام می‌باشد، حکومت از شرع زاینده می‌شود. در پرتو این روش است که دلالت نصوص و قواعد مربوط به نظام سیاسی اسلام شفاف می‌شود، در ضمن نحوهٔ پیوند آنها با همدیگر و این که چگونه یکدیگر را کامل می‌کنند روشن می‌شود. از سوی دیگر، ارتباط بین اصول و جزئیات اعتقادات و موازین شرعی با دیگر مبانی اسلام آشکار می‌گردد که از یک سو صلاحیت دیدگاه سیاسی اسلامی را می‌نمایاند و از سوی دیگر، تسامح و تساهل آن را و در نهایت در کنار ثبات و استحکام آن صلاحیت اسلام را در فراگیری متغیرها نشان می‌دهد.

فرض آیه‌الله شمس‌الدین بر این است که آنچه در سنت نبوی اکرم (ص) که از سوی ائمه هدی دربارهٔ «من مات و لم یعرف امام زمانه...» شرف صدور یافته است تعبیر حقیقی است و آن را معیار و اساس روش تحقیق در مسئله نظام حکومت در اسلام دانسته و سپس حدیث مشهور مستفیض مروی از رسول خدا را در این باره با ذکر اسناد و مدارک و راویان آن و نقل‌های گوناگونش آورده است و پس از نقل روایان حدیث و تلقی به قبول آن نزد شیعه و سنی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا همهٔ اعمال این انسانی که امام خود را نمی‌شناسد باطل است و مرگ چنین مسلمانی موت جاهلیت می‌باشد و سپس پاسخ می‌دهد برای آن می‌باشد که حکومت دارای دو بال عقیده و شریعت به طور توأم است که یکی در دیگری درج شده است. حکومت مسئله‌ای عقلی، واقعی و مرتبط به بعد سیاسی اجتماعی اسلام است و همان‌طور که به بعد تعبد فردی یا مرتبط به سلوک فردی معیشتی در اسلام نسبت به مسلمانان می‌باشد با بعد اجتماعی هم ارتباط دارد.

اسلام یک کل تجزیه‌ناپذیر است

در بخش اول، نویسنده طی فصولی اصول نظری حکومت را از بعد قانون‌گذاری مورد بحث قرار می‌دهد و خاطر نشان می‌نماید تمام جزئیات بیکره متکامل اسلام به عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر است و باید آن را با

اجتناب ناپذیر تشریح و قانون‌گذاری دینی است و این که برپایی حکومت، در عمل و ساختار سیاسی جامعه، پیامد طبیعی و ضروری پای‌بند است مسلمان به شریعت اسلامی است»

آنچه را آیه‌الله شمس‌الدین در این کتاب از رهگذر پژوهش و بررسی به آن دست یافته با تلقی غالب محققان این عرصه تفاوت دارد، چون تلقی متداول آن است که طرح تشکیل حکومت و دولت در اسلام خود جزئی از تشریح اسلامی است نه به مثابه نتیجه و پیامد آن. در جای جای این کتاب درخصوص مبانی اخلاقی، اصول و ارزش‌های سیاسی موجود در جامعه اسلامی که از بنیادهای طرح حکومت اسلامی به شمار می‌رود بحث‌های مستدل، عمیق و مستندی دیده می‌شود، افزون بر این، مباحثی در مورد مقارنهٔ تاریخی میان جامعه‌های سیاسی و حکومت‌ها آورده شده و به طور اجمالی به روشنگری و تبیین ویژگی‌های برجسته حکومت اسلامی در صدر اسلام و در دوران حیات با برکت خاتم رسولان پرداخته شده است.

نحوهٔ ادامه حکومت پس از حضرت رسول اکرم (ص) نیز از موضوعات مهمی است که مؤلف در این نوشتار به تجزیه و تحلیل آن مبادرت نموده است، مؤلف انتظار دارد این‌گونه پژوهش‌ها بتواند به شفافیت و حل پاره‌ای از مشکلات فقهی، کلامی و فکری که جنبش‌های جهانی اسلام در سطوح گوناگون جهانی، قومی و وطنی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند کمک رساند و در روشن ساختن شیوهٔ عمل و نوع مواجهه و رابطهٔ اسلام‌گرایان با خویشستن و سایر مردم سودمند باشد و در نهایت موجبات پذیرش نظریه «طرح سیاسی اسلامی» را از سوی مسلمانان فراهم آورد و بتواند در بالندگی و پویایی این جنبش و تحکیم روابط مسلمانان و وحدت بخشیدن به اجزای گوناگون امت اسلامی مؤثر واقع گردد.

نویسنده خاطر نشان می‌نماید: روشی که بیشتر اسلام‌گرایان در اثبات مدعای خویش برای تشکیل حکومت اسلامی به کار می‌برند در این مسئله اساسی قانع‌کننده و فیصله‌دهنده مجادلات نمی‌باشد و نصوصی که بر آنها استناد می‌کنند به پرسش‌های فرلوان پیرامون ضرورت و وجوب قیام حکومت اسلامی، پاسخگو نمی‌باشد. وی می‌افزاید چیزی که راه را برای رواج و اشاعه افکار و موضع‌گیری‌های امپریالیسم در جهان و میان مسلمانان هموار کرد و به آنان کمک نمود تا آن را در بسیج روانی، فکری و سیاسی علیه طرح‌های قیام حکومت اسلامی به کار بندند برخی اشتباهات سیاسی اسلام‌گرایان و اتخاذ روش‌ها و موضع‌گیری‌های آنان در رخدادها در مقابله با گروه‌های مسلمان و غیرمسلمان بوده است، این‌گونه موضع‌گیری‌ها و اتخاذ روش‌ها، احیاناً، ناپخته، شتابزده، بی‌دقت و حساب نشده و در بعضی احوال همراه با خشونت و عنف بوده است. همهٔ این عوامل فرصتی به

این پاسخ اگر در چهارچوب شرع باشد نه تنها مشروع بلکه به لحاظ فطرتی که در جان و کالبد آدمی نهاده شده مطلوب و خواستنی است.

(نک: آیات ۳۲ - ۳۴ از سوره ابراهیم و آیه ۱۴۰ سوره آل عمران)

۲- دیدگاه مثبت اسلام نسبت به دنیا، با منفی‌گرایی و این که لذت بردن از امور دنیا نکوهیده و آن را نوعی انحراف تلقی می‌نماید، میارزه می‌کند (اعرافه آیه ۳۲، مائده آیات ۸۷ و ۸۸)

۳- قرآن کریم دنیایی را زشت می‌داند که انسان در آن خود را فراموش کند و از فطرت سلیم که صلاح شخصیت انسان در آن است، تجاوز کند و از جاده شریعت خارج شود و مبدل به فردی پول‌پرست و شهوتران گردد و به ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی آورد، افرادی که این گونه به دنیا می‌نگرند برای جامعه اسلامی خطر می‌آفرینند و کردار و رفتارشان زیان‌بار است (انعام: ۲۶، بقره: ۲۱۲، اعراف: ۳۲، یونس: ۷، ماعون: ۱-۳)

۴- دیدگاه مثبت اسلام نسبت به دنیا منسجم با فطرت و نظام آفرینش انسان در این جهان است و دو خصوصیت و منشأ دارد: الف: درک عینی قدرت ربوبیت بر سراسر هستی و نواخت‌های غیب و شهود عینی نسبت به عنایات الهی در تمکین انسان در تصرف طبیعت، آدمی را خرد و توانمندی سازگار بخشید تا طبیعت را مطیع و رام خویش گرداند.

ب: رعایت میانه‌روی و اعتدال در بهره‌گیری از خواست‌های دنیوی. در ادامه این فصل، نویسنده تأثیر جهان‌بینی را بر اجتماع، در محورهای ذیل مورد مذاقه قرار می‌دهد:

۱- جهان‌بینی منفی یا مثبت انسان و دیدگاه‌های او نسبت به این دنیا بر تعهداتش نسبت به شهروندان و خویشاوندان و سایر کسانی که دست نیاز به سوی او دراز می‌کنند پیامدهایی دارد. همچنین بر روی التزامات انسان در برابر جامعه اسلامی و مسایل عدالت و آزادی و در برابر جهان استضعاف فرایند گسترده‌ای دارد به تعبیری دیگر همه رفتار و کردار و نحوه برخوردش با جامعه و طبیعت متأثر از نحوه جهان‌بینی اوست.

۲- آنگاه که انسان دل مشغولی به دنیا را بر همه تعهدهایی که در برابر افراد و اجتماع دارد ترجیح دهد و از توجه به پرورش‌های اخلاقی و معنوی باز بماند و افراد اجتماع نیز در دنیا غرق شوند و از تعهدات خویش در مقابل قضایای جوامع زیر ستم یازمانند. این چنین دنیایی برای فرد و جامعه لعنتی می‌شود و اسلام آن را مذموم و منفی می‌داند.

۳- مستقیم بودن در دیدگاه‌ها و راست بودن در رفتار و سلوک دنیوی، راست بودن با جهان طبیعت و جامعه تعهدی است که دنیایی مطلوب و مثبت را پدید می‌آورد.

۴- انسان متعهد، مسلمان و مکتبی در برابر عدالت، ظلم، آزادی، سرکشی و نیز در برابر سازندگی و عقب‌ماندگی برای خود، جامعه و جهانیان نمی‌تواند بی‌طرف باشد. وظیفه قاطع و تعیین‌کننده مسلمان در برپایی داد علیه ستم و آزادی علیه اختناق و توسعه و پیشرفت علیه واپس‌گرایی طبق برنامه اسلامی از اساسی‌ترین تشکل شخصیت انسانی مسلمان و جامعه اسلامی است و محور پیوند او با دیگران و رابطه

تمام اصول اعتقادی، احکام، اخلاقیات و سایر خصوصیات منحصر به آن روشن کنیم و باید بر ارتباط متکامل میان عناصر تشکیل دهنده آیین اسلام پرتو افکنیم تا معلوم شود همه عناصر این آیین تتگاتنگ به همدیگر پیوند خورده‌اند و این موضوع بزرگترین اعجاز خداوندی را که در اسلام به ودیعت نهاده آشکار می‌کند.

نویسنده در فصل اول پس از طرح این موضوع از نصوص قرآنی کمک می‌گیرد و گواه مهم بر تفکیک‌ناپذیری عناصر دینی را این مسئله می‌داند که اگر مسلمانی یکی از ضرورت‌های اسلام را، بدون آنکه مشتبه باشد، انکار کند طبق روایات متعدد مُرْتَد می‌شود و بسیاری از فقهایی اسلام به این حکم تصریح نموده و متکلمین آن را از امور بدیهی تلقی کرده‌اند. چرا که با انکار یکی از ضروریات دینی وحدت و انسجام آن از درون پاشیده می‌شود.

به اعتقاد آیه‌الله شمس‌الدین احکام و مقدراتی که مربوط به افراد مسلمان، خانواده‌های مسلمان و جامعه اسلامی است سخت با یکدیگر در ارتباطند و هر یک از قانون‌گذاری‌های اسلامی مربوط به فرد از حکم و تکالیف جامعه جدا نمی‌باشد، وی یادآور می‌شود: در همین حال که شارع مقدس طبق احکام اسلام مسلمان مکلف را به انجام نوافل، مستحبات، روزه و صدقه پنهانی و دور از تظاهر تشویق می‌کند در انجام عبادات مهم که وجوب عینی و تعیینی هم دارند دستور داده که با جماعت و همراه با تظاهر باشد تا همه امت در یک پیکره متحد به ادای یکی از عبادات بپردازند. همچنین رابطه استوار درونی میان تکالیف فردی، حقوق خانواده و اجتماع به گونه‌ای است که همه مسئولیت‌هایی که برای جامعه و خانواده معین گردیده برای افراد نیز لحاظ شده است. به تعبیر دیگر جامعه و فرد هر یک نسبت به هم حقوق متقابل دارند. بیشتر مبانی و قواعد عام در محورهای سه‌گانه قوانین قابل تطبیق است و جدایی آنها امکان ندارد. این محقق عالیقدر لبنانی به خواننده یادآور می‌شود تبویب و تقسیم‌بندی احکام شرعی در آثار فقهی تنها به اقتضای ضرورت بحث و تحقیق است و نباید این تقسیم‌بندی را به مفهوم فاصله و تفاوت حقیقی در چهارچوب احکام فقهی تلقی نمود و چنین تقسیم‌بندی با واقعیت این که اسلام اجزای پیوند خورده در یک کل شکل گرفته است، مطابقت ندارد.

در فصل دوم از بخش اول، نویسنده دنیا و آخرت از دیدگاه اسلام را مورد بررسی قرار داده و می‌گوید: جهان‌بینی سالم نسبت به دنیا آن طور که از دیدگاه فراگیر و تکامل یافته اسلام برمی‌آید آن است که طلب دنیا در کنار عبودیت الله می‌باشد که در همین حال طبق دستور شرع دنیایی پر نشاط و سرشار از سازندگی و پویایی در بطن جوامع بشری و فراگیر در طبیعت باشد و سپس برای فهم و درک دیدگاه اسلام نسبت به دنیا از نص قرآن شریف کمک طلبیده و محورهای ذیل را مطرح کرده است:

۱- پاسخ به انگیزه‌های دنیوی و بهره‌مندی از دنیا نه انحراف است و شدوونه بازدارنده از نیل به کمال و رضوان الهی بلکه لیبیک به مقتضای فطرتی است که حق تعالی مردم را پراساس آن آراسته است و

از پیامبر سؤالی نشده و اگر شده درخصوص جزئیات امور حکومتی بوده نه در اصل مشروعیت آن در حالی که مسلمانان درباره همه چیز از پیامبر سؤال می‌کردند هرگز درباره اصل تشریح حکومت و دولت موضوعی را طرح نکرده‌اند و این بدان دلیل است که مسلمانان ضرورت و بدهت آن را احساس کرده بودند که جامعه سیاسی به حکم فطرت باید دارای دولت و حکومت و نهاد باشد و حتی جواز و مشروعیت تأسیس دولت را از شریعت اسلام دریافت کرده بودند و می‌دیدند که پیامبر در عمل حکومت می‌کند و زمام امور را در اختیار دارد.

نویسنده بحث را با آوردن آیاتی از قرآن که مؤید تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد پی می‌گیرد و اندیشه تأسیس حکومت را در سیرت رسول الله مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهد و نخستین نص خاتم رسولان را در طرح اندیشه تأسیس حکومت حدیث‌دار می‌داند و بر این اساس از همان مرحله آغاز دعوت پیش‌بینی حکومت و جامعه سیاسی ذهن و فکر پیامبر را به خود مشغول داشته بود که آیه شریفه و انذر عشیرتک الاقربین (شعراء ۲۱۴) نازل گردید که پس از این اخطار در جلسه‌ای که خویشاوندان رسول خدا (ص) حضور داشتند آن حضرت خطاب به حاضران درباره حضرت علی فرمود: هذا اخی، و وصیی، و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا و شواهد دیگر بر این مدعا در سنت و سیرت رسول اکرم (ص) در مکه هست که از جمله حدیث منزلت می‌باشد.

شاهد مستند دیگر مؤلف بر ضرورت حکومت اسلامی تأسیس دولت و تشکیل نظامی سیاسی در مدینه می‌باشد. مسلمان‌هایی که به مدینه مهاجرت کردند با ایجاد اخوت و وحدت و همدستی با انصار یکدست شدند و به یک جامعه سیاسی متحول گشتند اما این اجتماع در فضای نزول تدریجی احکام و تجربه‌های گوناگون حیات روزمره تکوین یافت.

خداوند اساس جامعه سیاسی، ویژگی‌ها و مسئولیت‌ها، خطوط اصلی و مبادی اساسی را که دولت اسلامی باید بر روی آن اقامه بشود، از طریق وحی قرآنی بیان نمود.

#### مبانی و ریشه‌های جامعه سیاسی و دولت اسلامی

در فصل اول بخش دوم مسئله زمین و قلمرو را مورد بررسی قرار داده و یادآور شده است امت اسلام مرزبندی‌های مصنوعی، قلمروهای ثابت و مشخص جغرافیایی ندارد و تنها بر پایه باورهای اسلام، تعهد به اعتقادات و شرع الهی بدون در نظر گرفتن اعتبارات دیگر تکوین یافته است. لذا امت اسلامی همیشه در حال بالندگی مستمر است و هرگز به مرحله کمال نمی‌رسد مگر آنگاه که همه نوع بشر را شامل شود از این رو حوزه امت اسلام همیشه آماده پذیرایی اعضای جدید، گسترش و پویایی در کنار ایشان است، این امت نه درهای خود را بر روی افراد دیگر می‌بندد و نه آن که به قوم و قبیله‌ای خاص اختصاص دارد، هر عضو جدیدی که به تشریف اسلام درآید با دیگر مسلمانان به «دار اسلام» گام می‌نهد، هر جا که مسلمانی حضور دارد و شعائر اسلامی در آنجا برپاست

دیگران با وی و جامعه همین ارزشهای اسلامی است. مسئولیت مسلمانان از امور فردی به مسایل اجتماعی تسری پیدا می‌کند و سپس به اقیانوس عالم سرازیر می‌گردد.

۵. هدف از دعوت به اعتقادات و احکام اسلام صرفاً در تربیت افراد با ایمان و بیان تکالیف شرعی شخصی آنان خلاصه نمی‌گردد بلکه هدف مکتب اسلام تکوین جامعه‌ای سیاسی و متعهد به آرمان‌های اسلام و هدف‌های آن و نیز ملتزم به شکل انسان به عنوان جزئی از انسانیت در سطح فراملیتی است که خیزشگاه آن از فرد متعهد مسلمان و جماعت مسلمان تا به مرحله جامعه مسلمان مکتبی پیوند خورده است. فرایند این نوع جهان‌بینی و احساس ضرورت برای داشتن نظام، مسئله دولت و نظام سیاسی - اجتماعی و موضوع حکم و حکومت اسلامی در اسلام بوده است.

۶. اندیشه حکومت اسلامی مسئله جدیدی نمی‌باشد بلکه این تفکر در پاسخ به ندای یک ضرورت فطری است که جوامع بشری آن را احساس کرده‌اند و باید این حکومت از آن چنان اقتداری برخوردار باشد که بتواند نظم را میان افراد و گروهها برقرار نماید و در تضاد میان منافع افراد و گروهها راهگشا باشد و بر همه حرکت‌های جامعه نظارت داشته باشد و از راه تدوین قوانین، حقوق شهروندان را پاسدار باشد.

در فصل سوم از بخش اول آیه‌الله شمس‌الدین به مبانی نظری حکومت اسلامی و نمونه‌های تاریخی در این مورد پرداخته است، وی در آغاز این بحث خاطر نشان می‌نماید تأسیس دولت در اسلام فرع بر رسالت است چرا که اگر رسالت نباشد برعکس سایر نظام‌ها دولت و حکومت هم مصداق خارجی پیدا نخواهد کرد به بیانی دیگر هدف اسلام در ابتدا و بالذات تحقق رسالت اسلام است و تشکیل دولت بالعرض تحقق رسالت آرمان جامعه اسلامی در مرحله نخست تأسیس حکومتی است که بتواند در خدمت رسالت مقدس فرهنگی انسانی اسلام قرار گیرد و آن را میان مسلمانان و سراسر گیتی تحقق بخشد. البته تأسیس دولت زبان و معنای طبیعی شریعت است و اگر آن را حذف بکنیم یا نادیده انگاریم به منزله حذف بخش عمده‌ای از شریعت اسلام یا نادیده گرفتن اسلام است.

نویسنده از زاویه‌ای دیگر نیز ضرورت حکومت در جامعه را به اثبات می‌رساند، به اعتقاد وی از آنجا که آفرینش جهان هستی و انسان بر مبنای حکمت و هدف‌دار است پس ناگزیر انسان نیازمند نظامی است که حق باشد و با طبیعت فیزیولوژیکی، روانی، معنوی و اجتماعی انسان در چهارچوب نظام گیتی منسجم باشد. هرگونه تعارض یا تضادی میان ساختار انسان و نظام کل هستی پدید آید بر روی وضعیت انسان در روی زمین و جامعه اثر منفی می‌گذارد و در روند زندگی انسان عدم توازن و تعادل پدید آورده و آن را به ناهنجاری سوق می‌دهد، نویسنده پس از ذکر آیات قرآنی که رابطه نظام هستی با جایگاه انسان مدنی را تأیید می‌کند می‌افزاید در سنت و حدیث نبوی و رهنمودهای رسول اکرم (ص) به صحابه اندیشه تأسیس دولت به عنوان یک ضرورت امر مسلم و بدون چون و چرا تلقی شده است به گونه‌ای که حتی یک بار هم در این مورد

**شهادت شورا:** شورا برای تصمیم‌گیری در شئون عمومی برای عامه مسلمین باید در جامعه سیاسی از مهمترین اصول قانون اساسی باشد، نص قرآن مورد شورا را «امر» گفته که مقصود از آن مسایل عمومی مردم و دولت است. بنابراین هر مسئله‌ای که به شئون عمومی جامعه ارتباط می‌یابد از موارد شورا است.

سیاست‌گذاری‌های دولت در جامعه سیاسی اسلامی از موضوعات مورد بحث در فصل دوم از بخش دوم است، نویسنده بر این باور است که چون جامعه اسلامی از دیگر جوامع بشر متمایز و بر پایه مبدأ عدل قائم است و پرچمدار رسالت عدالت می‌باشد قهراً در معرض تجاوز دیگران قرار گرفته است بویژه اگر توجه داشته باشیم که روحیه تجاوز در نظام‌ها و فلسفه‌های مادی‌گرا و همراه طبیعت ثانوی آنان است. با این که گفت و گو، همزیستی و تعاون با دیگران از مبادی اسلام و ویژگی‌های ثابت در کیان جامعه اسلامی است ناچار برای دفاع و پدافند و رد تجاوز باید مهیا باشد و محورهای ذیل را در برنامه‌های خود قرار دهد:

۱- **مشروعیت جنگ:** چنانچه جامعه یا حکومت اسلامی مورد تهاجم دشمن واقع بشود دفاع از کیان خود را مشروع کرده است و سیاق آیات ۲۱۶، ۲۱۷ از سوره بقره و آیات مشابه مبین این نکته است که جنگ و قتال مشروع، حالت دفاعی و پدافندی دارد.

۲- **تجهیز قوا:** همانگونه که از آیه ۶۰ سوره انفال برمی‌آید هدف نهایی از آمادگی جنگی ایجاد رعب در دل دشمنان است تا توهم تهاجم را از ذهن خود بیرون براند و اگر از قصد حمله بازنگردند مسلمانان در مقاومت و دفاع از خویش آمادگی داشته باشند و غافل گیر نشوند.

۳- **جنگ تدافعی:** براساس آیات ۱۹۰ - ۱۹۳ سوره بقره، ۳۹ - ۴۱ سوره حج و آیه ۹۱ سوره نساء خداوند متعال به مسلمانان دستور داده است چنانچه تهاجم دشمن جنگ را بر آنان تحمیل کرد باید مسلمانان علیه دشمن وارد جنگ شوند.

۴- **فراخوانی به صلح و اجابت آن:** یکی از اصول قوانین دفاعی نظامی اسلام قبول فراخوانی به صلح عادلانه است. چنانچه آیه ۶۱ سوره انفال و نیز آیات ۲۸ - ۴۰ همین سوره به این موضوع توجه دارد. از نکات مورد بحث در این فصل موضوع ولایت قضا یا قوه قضائیه است، چون اسلام نظام زندگی جامعه را نظم می‌بخشد اقتضا می‌کند که حل و فصل خصومت‌ها و نزاع‌ها بین مردم براساس شریعت اسلامی باشد. قضا در اسلام در اختیار عالی‌ترین مقام حکومتی است، او قاضی القضاات و قاضی اعظم است، نصب قضاات و عزل آنها در صورت اقتضا یا ظهور خلاف با حکم عالی‌ترین مقام حکومت اسلامی انجام می‌پذیرد، به نظر آیه‌الله شمس‌الدین نصب قاضی در زمان غیبت در صلاحیت امت است یا این که حداقل نظر مردم در تشخیص و نصب قاضی دخالت دارد، وی

دار اسلام تلقی می‌گردد. در «دارالاسلام» دولت اسلامی باید محدوده جغرافیایی داشته باشد زیرا ماهیت دولت و حکومت که تنها با حق سلطه سیاسی در امر و نهی و اطاعت شکل می‌گیرد ایجاب می‌کند با سرزمینی که امت در آن سکونت دارد ارتباط داشته باشد. آیه‌الله شمس‌الدین در ادامه این فصل تقسیماتی را برای جامعه سیاسی اسلامی به شرح ذیل قائل می‌گردد.

۱- **جامعه سیاسی خودگردان:** براساس آیه ۵۵ از سوره نور، افرادی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خلیفه روی زمین هستند، این خلافت خاصه، گزیده و هدف‌دار است. ملاک حیات دینداران و مؤمنان بر محور رسالت دین استوار و انتظام می‌گیرد. تمکین دین مؤمنان به معنای متمکن کردن پیروان، دینداران و حاملان رسالت دین است و این اقتدار باید بر پایه‌ای از نیرومندی باشد که بتواند هرگونه تجاوز به حریم امنیت خود را دفع کند و امنیت یعنی معادله نیروهای سیاسی، نظامی و بنیه اقتصادی و تمام عوامل سازنده اقتدار جامعه.

این امنیت زمانی تحقق می‌یابد که جامعه سیاسی مکتبی رسالت‌مند حضور داشته باشد و بر محور یک اندیشه مرکزی شالوده هستی و بقای خود را استوار کند.

۲- **جامعه باز و متمایز:** جامعه سیاسی اسلامی نسبت به جوامع دیگر ممتاز است زیرا تجسم عقیده، شریعت و رسالت فرهنگی است، این تمایز نه تنها در تولای سیاسی و تیرا در اعمال عبادی است بلکه در تمامی شئون زندگانی شخصی و عمومی و تلاشهای اجتماعی و اقتصادی تسری دارد، این تشخص سیاسی به معنای نفی دیگران و انزوا نمی‌باشد بلکه به مفهوم حفظ شخصیت مکتبی و ذوب نشدن در دیگران تلقی می‌گردد به همین دلیل باب گفت و گو با دیگران، همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاون در صلاح بشریت را باز گذاشته است.

۳- **جامعه شاهد و وسط:** جامعه سیاسی اسلامی نسبت به دیگر جوامع نمایانگر توازن و تعادل می‌باشد.

۴- **قیام به قسط:** براساس آیات قرآن و سنت رسول‌الله (ص) اصل عدالت بر تمامی شئون جامعه اسلامی اعم از زندگانی خصوصی و عمومی، ارتباط میان مسلمانان و... جاری و ساری است و این ویژگی امت مسلمان را از دیگر جوامع متمایز می‌کند. نظام اسلامی اصل استبداد را به طور مطلق رد کرده ولی لیبرالیسم را هم نفی می‌کند. اما استفاده از آزادی را در چهارچوب حقوق شرعی فرد و جامعه جایز دانسته است. تجربه‌های تاریخی نشان داده که اگر جامعه براساس آزادی بنیان نهاده شود عدالت در معرض خطر و خدشه قرار می‌گیرد و ظلم و ستم حضور منفور خود را اعلام می‌کند. اما جامعه‌ای که بر مبنای عدالت اقامه شده آزادی را پاسداری می‌کند و از تجاوز دیگران محفوظ می‌دارد. از این جهت عدالت ضامن آزادی است اما آزادی نمی‌تواند عدالت را تضمین کند.

سر جنگ دارند و دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمین اند دفاع و پاسخ به متجاوزان و برنامه ریزی های نظامی برای ایجاد اقتدار مسلمین باشد. نویسنده از مفاد آیه ۹۲ سوره نساء نتیجه می گیرد که رابطه جامعه و حکومت اسلامی با مسلمانان خارجی که وابستگی با آنان ندارد، تنها رابطه دینی و معنوی است و همیشه رابطه سیاسی نیست تا نسبت به آنها تعهدی داشته باشد مگر در یک حالت و آن موقعی است که از ناحیه غیرمسلمانان مورد تهاجم واقع شوند و از جامعه سیاسی اسلامی (حکومت اسلامی) صرفاً به عنوان مسلمانان کمک بخواهند در این شرایط بر جامعه اسلامی واجب است که آنان را یاری نمایند اما این وجوب به نحو مطلق نیست بلکه مقید به آن است که میان دشمنان اسلام و مسلمانان قرارداد و پیمان نامه ای امضا نشده باشد.

همچنین مفاد این آیه اقتضا دارد که مسلمانان خارج از جامعه سیاسی اسلامی که به دارالاسلام هجرت نکرده اند از حقوق شهروندی در دولت اسلامی بهره ای نمی برند و از نظر سیاسی و تابعیت به این جامعه وابستگی ندارند. نویسنده در تایید این نظر روایاتی را ذکر نموده است.

در واقع قلمرو دولت اسلامی، وطن مسلمان هایی است که انتساب به آن دارند و تابعیت آن را گرفته اند و این وطن برای مسلمانان دیگر وطن محسوب نمی شود. بنابراین وطن سیاسی یک مفهوم اسلامی است به نظر آیه الله شمس الدین، آیین اسلام در اصول سیاست خارجی خود اصل پناهندگی را پذیرفته و مبنای آن آیه ششم از سوره توبه است، البته اعطای پناهندگی سیاسی در چهارچوب دولت اسلامی فقط در صلاحیت و حقوق رئیس حکومت است و احاد مسلمین - در زمان صلح - حق دادن پناهندگی به غیرمسلمان را ندارند.

آخرین مبحث این فصل به بررسی نظام خانواده و جایگاه زن در جامعه اسلامی پرداخته و طی آن خاطرنشان گردیده است آیه ۷۱ از سوره توبه در تحلیل مشارکت زن با مرد در ولایت عامه است بر نفس می فرماید که زن مانند مرد مسؤولیت امر به معروف و نهی از منکر را عهده دار است که این مسؤولیت از فراگیرترین ولایاتها در همه شئون عام و خاص زندگی است. این که زنان با ریاست حکومت و قائد امت بیعت می کنند و او بیعت را از آنان می پذیرد (ممتحنه: ۱۲) به این معناست که زنان در جایگاه سیاسی و جامعه سیاسی اسلامی و حقوق با مردان برابرند ولی شارع مقدس بنا بر ملاحظاتی آنان را از بعضی تکالیف مردها از قبیل جهاد معاف کرده است.

شریعت اسلام برای ضمانت سلامتی جسم و جان زنان، احکامی را وضع کرده است، احکام مربوط به تهمت به زنا و ظهور خلاف برای قذف و لعان از این نمونه است.

خانواده از دیدگاه اسلام پایگاه و ستون اساس تشکیل جامعه اسلامی است و در این راستا شارع مقدس قوانین حساب شده ای را برای تأسیس آن از راه پیوند زناشویی و تنظیم سلطه و سیادت در خانواده نهاده است که میان زوجین هر یک به تناسب تقسیم شده است. در برخی حالات چون ولایت بر فرزندان با توجه به شئون معنوی مادر، سلطه پدر

این موضوع را براساس مشهوره ابن خدیجه به روایت صدوق مطرح کرده است، مقبوله عمرین حنظله از امام صادق (ع) و صحیحه حلبی از امام صادق (ع) از جمله روایاتی است که نامبرده برای تأیید اظهارات خویش نقل کرده است.

به اعتقاد آیه الله شمس الدین تضامن اجتماعی از اصول شرع اسلام و در بسیاری از نیازمندی های فردی و جمعی از موارد وجوب کفایی است و از آیه ۱۰۳ سوره توبه استفاده می کند که می توان مالیات جدید در جامعه اسلامی وضع کرد، او می افزاید: وضع مالیات در اسلام به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی در اختیار ثروتمندان نیست بلکه هدف تأسیس جامعه ای است که در سایه آن فرصت های مساوی و همدلی و تضامن برقرار باشد که در سنت شریف این هدف مقدس به وضوح بیان شده است.

به نظر این محقق ژرف اندیش رعایت وحدت داخلی جامعه سیاسی اسلامی نه تنها واجب و یک ضرورت سیاسی است بلکه یک واجب شرعی الهی، بزرگ و مقدس برای جامعه اسلامی است که اخلاص به آن جنایتی بس عظیم و گناهی کبیره می باشد و آنها که حریم وحدت را بشکنند باید در انتظار عذاب عظیم الهی باشند. درخصوص پیمان های داخلی نظر وی بدین گونه است که باید چنین پیمان هایی را از زاویه هدف و مضمون آن جستجو کرد، چنانچه به فروپاشی وحدت اجتماعی امت بینجامد و به تیرگی و مخالفت ها منجر شود، حرمت آنها آشکار است و از مصادیق نهی در آیات ۱۰۳ - ۱۰۵ سوره آل عمران است مگر در حالی که پیمان علیه جبهه کفر باشد که امت به آن سوق داده می شود یا آن که علیه جبهه منافقان باشد که در استتار اسلام به قصد فروپاشی و انهدام اسلام برآیند. اگر پیمان در راستای تلاش و اجتهاد در مدیریت و مسایل سیاسی و از موقله تنوع در افکار و برخورد اندیشه ها و در چهارچوب حفظ وحدت و مصالح عمومی امت باشد.

در ادامه این فصل سیاست خارجی جامعه سیاسی اسلام به بحث گذاشته شده و نویسنده تأکید می کند که باید بر اصول زیر مبتنی باشد، آزادی در فراخوانی و دعوت به اسلام، استقلال کامل، صلح جویی و عدم تجاوز به دیگران، وفای به میثاق ها، قراردادهای و عهدنامه ها، رد هر گونه تجاوز.

رابطه مسلمانان با کشورهای بی طرف که نه در حال جنگ با مسلمین اند و نه قرارداد و پیمانی را امضا کرده اند و نه رابطه ای با آنان دارند، تا زمانی که بی طرفی خود را حفظ بکنند بر پایه صلح و عدم تجاوز است، مسلمانان از پیش دستی آنان برای ایجاد رابطه دوستی متقابل و همکاری براساس اصل عدالت استقبال می کنند.

رابطه با کشورهای هم پیمان که با مسلمانان قرارداد و پیمان هایی امضا کرده اند باید براساس صلح و همزیستی کامل بر اصل برابری باشد و چون وفای به عهد از مهمترین واجبات اسلامی است حفظ میثاق تا زمانی که طرف مقابل آن را نقض نکرده است واجب است. خداوند متعال اخلاص به پیمان را سخت نکوهش کرده حتی اگر نقض عهد به سود مسلمانان تمام شود، حکم مسلمانان با کشورهای بی طرف است که با آنان تمام

رسول خدا شهر مدینه و توابع آن را مستقیماً زیر حکومت خود داشت و از افراد برای انجام مسئولیت‌های مشخص کمک می‌گرفت یا این که آنها را برای مناصب و پست معین منصوب می‌کرد. در مناطق دور از شهر مدینه کارگزاران و نمایندگان خود را مأموریت می‌داد، در این جریان زنان هم از کارهای عمومی برکنار نبودند. هر گاه پیامبر از مدینه بیرون می‌رفتند خلیفه‌ای به جانشینی خویش مشخص می‌کردند.

پیامبر، کارگزاران و عمال صدقات و گردآورندگان زکات را معین فرمود و نسبت به دریافت خمس غنائیم به عنوان مالیات دولت بر غنائیم جنگی و بر اموال مصادره شده از کفار حربی اقدام نمود و نیز از اهل کتاب جزیه سرانه دریافت نمود، این اموال و دارایی‌ها از ذخایر بیت‌المال محسوب می‌گردید و در راه خدمات دفاعی و اجتماعی دولت به مصرف می‌رسید. مسئولیت تبلیغ و دعوت در مدینه به طور ثابت بر عهده شخص رسول خدا (ص) بود اما برای خارج از این شهر داعیان و مبلغان را از میان صحابه سرشناس انتخاب می‌کردند در مورد مسائل قضا نیز این‌گونه عمل می‌کردند. آن حضرت شهر مدینه را به شکل یک پادگان نظامی درآورد و از آن یک مجتمع جنگی ساخت، مسلمانان را به دسته‌های ده نفره تقسیم کرده و برای هر یک از این دسته‌ها کارگزاری را مشخص کرده بود.

تلاش آن حضرت در مسایل اجتماعی تنها به تربیت روح انسانی، وعظ و تبلیغ معطوف نبود بلکه بر وفق دستورات الهی در راستای ساختار جامعه‌ای خودکفا و برپایه عدالت اجتماعی تلاش نمود.

پیامبر با مسیحیان رابطه برقرار کرد، با خارجیان میثاق و قرارداد امضا کرد، با پاره‌ای از قبایل و گروهها آتش‌بس برقرار کرد و با برخی شیوه‌های معکوس داشت و مهاجرت به دارالاسلام را بر هر مسلمان که بیرون از قلمرو بود واجب فرمود.

مؤلف در فصل دوم این بخش با استناد به دلایل عقلی، شرعی و نقل استمرار حکومت پس از پیامبر را به اثبات می‌رساند. به اعتقاد این دانشمند ژرف‌اندیش اعتقادات و مسایل شریعت اسلام تا روز قیامت زنده و جاوید است و همه مردم فراخوانده شده‌اند تا به آن ایمان آورند و تا زمین و آسمان و جهان باقی است به احکام آن عمل کنند. همچنین چون احکام و موازین شرعی کل واحد را تشکیل می‌دهند همین ویژگی دولت و حکومت را طلب می‌کند، اصولاً طبع و ساختار شرع اسلام به تشکیل دولت و حکومت حکم می‌دهد و این واقعیت عملاً در تاریخ اسلام تحقق یافت و از مرز تئوری و نظریه بیرون آمد و به مرحله عمل رسید. به باور آیه‌الله شمس‌الدین چون واجب کفایی به افراد به عنوان احاد مکلفین تعلق پذیر نیست و از طرف دیگر امتثال آنها را نمی‌شود در اختیار افراد قرار داد لذا برای تحقق این‌گونه احکام باید مؤسسات و تشکیلاتی تدبیر نمود تا در اجرای آن اواصر اقدام کنند و افرادی را تعیین کرد که حق اعمال سلطه بر نفوس و اموال را دارا باشند، اجرای اموری چون قضا، دفاع نظامی، گردآوری مالیات، خمس و زکات و مصرف کردن آنها در وجوه آنها و بهره‌وری از اراضی، املاک و مستعلات عمومی یا ملک امام معصوم از قبیل زمین‌های خراجی، آب‌ها و معادن زمانی

بر سلطه مادر رجحان دارد، از سوی دیگر شارع مقدس در شرایط حاد برای جدایی زن و شوهر برای طلاق و لمان احکامی وضع کرده که در همه احوال رعایت مصالح فرزندان مورد نظر است.

در آخرین فصل از بخش دوم، نویسنده این موضوع را مطرح کرده است که از بُعد عملی و کاربردی تأسیس جامعه سیاسی اسلام بر مبنای ارزش‌ها و اصول پذیرفته شده یا بر منوال آن ارزش‌ها و قیام به تعهدات داخلی و خارجی بدون داشتن مدیریت و تشکیلات و نظام حکومتی که هویت خود را از ارزش‌های مسلم کسب کرده باشد امکان‌پذیر نیست. یکی از اساسی‌ترین ابزارهای تنفیذ و اعمال سلطه و قدرت از دیدگاه مبانی اسلامی، اصل وجوب اطاعت و انقیاد است در برابر حاکم و ولی امر است که از حقوق حاکم بر امت تلقی می‌شود، آیه ۵۹ از سوره نساء این موضوع را مورد توجه قرار داده است، همچنین براساس مضامین آیه ۸۳ از همین سوره، خداوند امت اسلامی را از افشای اسرار حکومتی و بحث از آنها در مجامع عمومی نهی کرده و از دخالت در کارهای محرمانه بازداشته و امت را از شایعه پراکنی درباره آن امور بازداشته است زیرا به آشفتگی می‌انجامد و بر مسایل رفتاری و اخلاقی جامعه اثر منفی بر جای می‌گذارد. البته امت از اداره امور و اظهارات نظر برکنار نبوده و از طریق تشکیل شوراهای در امور عمومی دخالت دارند، نوعی از این شوراهای مردم ارتباط دارد و نوعی دیگر به ولی امر امت و سومین نوع در ارتباط با ولی امر و امت ایفای نقش می‌کند.

### تطبیق تاریخی نظام اسلامی

نخستین فصل از بخش سوم به بررسی ابعاد حکومت اسلامی پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد، نویسنده یادآور می‌شود هسته‌های اولین تأسیس حکومت اسلامی از لحاظ کاربردی و تطبیق آن پس از انجام بیعت عقبه دوم فراهم گردید که میان نمایندگان اوس و خزرج در موسم حج در مکه رخ داد. محور و محتوای بیعت دوم عقبه میثاق بر تأسیس یک سلطه سیاسی - با همه بار معنای این کلمه - بود.

حکومت و دولت اسلامی با مهاجرت رسول خدا (ص) به مدینه تولد یافت چرا که آن حضرت در این شهر تمامی مسئولیت‌های زعامت، فرماندهی و حکومت سیاسی را در کنار مسئولیت‌های رسالت، نبوت، تبلیغ و ارشاد به عنوان نبی و رسول خدا در اختیار گرفت، نخستین گام پیامبر در استقرار کلی نظام و سازماندهی جامعه جدید برقراری اخوت میان مهاجرین و انصار بود که افزون بر محتوای اخلاقی، ایمانی و عاطفی دارای محتوای حقوقی و اقتصادی هم بود. در دومین گام رسول‌الله میثاق میان مسلمانان و یهودیان را امضاء کرد تا بدین وسیله جایگاه حقوقی سیاسی مسلمانان و روابط آنان با یکدیگر و اصول سیاست ایشان را با یهود معین کرد، این پیمان‌نامه سیاسی نخستین نوع خود در تاریخ بود، در چهارچوب این میثاق تصریح شده که زعامت عظمی از آن خاتم پیامبران است.

پیامبر، سازمان اداری حکومت اسلامی را در شهر مدینه و حومه آن در سطح قلمرو اسلام تأسیس کرد.

مربوط به ایشان نیست و کسی هم این اختیارات را به آنان تفویض نکرده بنابراین همه ظالم و از حکام جور هستند.

در آخرین فصل از بخش سوم پدیدآورنده به بررسی روایاتی مبادرت نموده که حکم شرع در تعاون با حکام جور را روشن می‌کند، وی این موضوع را در چند محور پیگیری نموده است:

**الف: حرمت اعانت ظالم (حکام جور):** چون سلطه حکام جور نامشروع می‌باشد ائمه اطهار نه تنها معاونت با ایشان را در ظلم و همکاری در تحکیم پایه نظامشان تحریم کرده‌اند، بلکه شناسایی و اعتراف به مشروعیت سلطه آنان را بر عموم مسلمانان و بخصوص شیعیان نهی کرده و تعاون و کار کردن در دستگاه یا با نزدیکان حکام ظلم را سخت منع فرموده‌اند و در ادامه روایات متعددی را ذکر نموده است.

**ب: جواز همکاری با حکام جور:** برای حفظ نظام، وحدت امت، دفع ضرر از مؤمنین و برپایی عدالت اجتماعی، روایت ائمه معصومین در این خصوص چند دسته هستند، دسته اول: احادیثی که درباره همکاری با حکام جور به شکل شرکت در پست‌های کلیدی نظام صادر گردیده است. دسته دوم روایاتی که دال بر نحوه همکاری با عمال جور است، این روایات نشان می‌دهد که ائمه در درجه اول مصلحت جامعه و امت اسلامی را در راستای وحدت و انتظام منافع عموم مردم در نظر داشته‌اند و در تبیین مواضع خویش در برابر حکومت‌های وقت تنها ناظر بر مصلحت خاص شیعیان نبوده‌اند و برخورد گزینشی نداشته‌اند.

**ج: ملاک‌های ائمه در کار و همکاری با حکام جور مسایل ذیل بوده است:**

۱- اتحاد ملت اسلامی از اساسی‌ترین تکیه‌گاههای خط سیاسی اهل بیت است و ائمه با فداکاری‌های بزرگ خود قربانی این آرمان شده‌اند آن بزرگواران برای جلوگیری از شقاق و نفاق و اخلاص‌گری با تحمل همه مصایب جانب مسالمت را می‌گرفتند تا از هرگونه تنش و برخورد میان مسلمانان پرهیز شود.

۲- ائمه هدی بر همبستگی و نیرومندی و آسیب‌ناپذیری جامعه سیاسی اسلامی در برابر دشمنان پیوسته تأکید کرده‌اند و از این رو تجارت جنگ‌افزار را در داخل نظام حاکم روا دانسته و مشارکت در جنگ و مرزبانی برای حکام جائز را اجازه داده‌اند و مشروعیت آن را به قصد و نیت شخص مربوط کرده‌اند.

۳- ائمه اولویت حفظ کلی نظام زندگی جامعه را در موضع‌گیری خویش در مسئله عمل و تعامل با نظام جور مد نظر داشته‌اند زیرا تحریم کلی عمل و تعامل با حاکم جائز از سوی بخش بزرگی از جامعه اسلامی (شیعه) نه تنها به اخلاص در نظام کلی حیات جامعه می‌انجامد بلکه ممکن است به رودررویی با نظام و سایر اقتدار جامعه و هواداران وی یا احیاناً بسیاری از مصالح تعطیل و راکد شود و بر سیر طبیعی زندگی مردم

امکان‌پذیر است که حکومت و دولت تأسیس شود. همچنین فقدان سلطه مجریه موجب می‌شود که احکام الهی بتدریج فراموش شود و آثار دیانت و مشخصه‌های آن از بین برود.

عدم تشکیل حکومت در اسلام با توجه به ادله شرعی برخلاف شرع است چرا که فقدان نظام حکومتی به رواج و گسترش ناهنجاری، هرج و مرج و اختلال در اصل نظام اسلام و به ناتوانی در اجرای واجبات به وجه شرعی آنها می‌انجامد. پس از ذکر دلایل عقلی، نویسنده برای اثبات وجوب استمرار دولت و حکومت اسلامی پس از رحلت رسول اکرم به بررسی دلیل‌های نقلی می‌پردازد، نخست مضمون روایت‌های مستفیض بلکه متواتر از رسول خدا (ص) که پس از وی نوازده جانشین به خلافت از او خواهند نشست می‌آورد این جانشینان پیامبر در ریاست و زعامت دولت و حکومت اسلامی همان اختیارات پیامبر را دارند به علاوه همان‌طور که مسلمانان زمان حکومت رسول خدا مأمور به امتثال اوامر شرعی بوده‌اند، مسلمانان پس از رحلت پیامبر نیز مشمول همان حکم‌اند و پیاده کردن مجموعه احکام به مفهوم حکومت اسلامی است و دولت اسلامی از این مسئولیت برکنار نیست و چون تطبیق بسیاری از اوامر و نواهی در لوای حکومت‌های معاند اسلام امکان‌پذیر نمی‌باشد بنابراین به منظور امتثال اوامر الهی بر مسلمانان واجب است که برای اقامه و تأسیس حکومت اسلامی تلاش کنند. سومین دلیل مؤلف بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر، اجماع مسلمانان است. طبق اجماع قطعی، مسلمانان، برپایی دولت و نصب حکومت پس از رحلت رسول اکرم (ص) از جمله احکام شرعی ثابت و خدشه‌ناپذیر است و بر هر مسلمانی واجب است که به نحو اجمال به این مسئله اعتقاد داشته باشد و انکار آن به منزله انکار احکام شرعی ثابت است و علمای اسلامی با این مسئله مخالفت ننموده‌اند.

نویسنده در فصل سوم این بخش به این موضوع اشاره می‌کند که مکتب‌های فقهی و کلامی در جزئیات، کیفیت و روش کار حکومت با هم اختلاف دارند اما در اعتقاد شیعه خلافت و جانشینی رسول خدا در ائمه معصومین طبق تسلسل امامان معصوم فرض و واجب شده است، هر یک از ائمه تعبیری از استمرار سلطه اسلامی بوده‌اند اما به استثنای حضرت علی (ع) در عمل از تصدی حکومت و سلطه بر عموم دور نگاه داشته شده‌اند و حکام اموی و عباسی و سایر فرمانروایان منصب ایشان را غاصبانه اشغال کرده بودند، امامان شیعه از زمانی که امام حسن (ع) در عمل از حکومت کنار رفت سلطه عملی خود را به طور سری و غیررسمی بر تمام مسلمانان متعهد به خط تشیع اعمال می‌کردند به گونه‌ای که زندگانی دینی و سیاسی مسلمانان شیعی و همچنین زندگانی مدنی آنان بر پایه فقه ائمه آل‌البیت (ع) اداره می‌شد.

آیه‌الله شمس‌الدین تأکید می‌کند زمامداری امیران و فرمانروایان کنونی از دیدگاه شیعه پایه و اساس مشروع ندارد. زیرا نه از سوی پیامبر و از طرف امامان معصوم نصی مبنی بر زمامداری آنان صادر نشده است و منصوب هیچ یک از امامان معصوم نیستند. بنابراین پست‌هایی را که اشغال کرده‌اند حق آنان نمی‌باشد و اختیاراتی که به دست آورده‌اند



اثر نامطلوب بگذارد.

دو دیدگاه پدید آمده است:

۴. ائمه اطهار پیوسته مراقب بوده‌اند که معارضان شیعه در دستگاه دولت‌های وقت پایگاهی داشته باشند و شخصیت‌های شیعی در سطوحی مختلف در پست‌های بزرگ و کوچک جای پای برای خود فراهم نمایند تا از این رهگذر شیعیان بتوانند از ستم‌هایی که سیاستمداران و دولتمردان و ارتشیان نظام حاکم بر آنها وارد می‌آوردند بکاهند یا از آن جلوگیری کنند.

۵. ائمه اهل‌البيت(ع) کار کردن برای حکام جور را ولایتاً و تماماً به منظور کسب روزی مجاز دانسته‌اند.

۶. همکاری با فرمانروایان جور به منظور تقویت سلاح فقیه و ادامه هدف اصلی و اساسی اشکالی ندارد. موضوع مهمی که در پایان فصل چهارم از بخش سوم مؤلف آن را مطرح کرده است این است که مسئله تأسیس حکومت در زمان غیبت کبرا از دو منظر و در دو مرحله تاریخی خودنمایی می‌کند:

مرحله اول با آغاز غیبت کبرا و قطع ارتباط مستقیم و غیر مستقیم مردم با امام دوازدهم آغاز شد. این مقطع دنباله خلافت عباسیان و نیز دوره خلافت سلاطین عثمانی را دربر می‌گیرد، دیدگاه فقهی شیعی در این مرحله تاریخی نسبت به مشروعیت این گونه حکومت‌ها که به نام اسلام برخاسته‌اند تقریباً با دیدگاه فقهی شیعه نسبت به حکومت‌هایی که در زمان حضور و ظهور امام معصوم برپا شده بود شباهت دارد.

در مرحله تاریخی دوم حکومت و نظام اسلامی چه از لحاظ شکل و محتوا و چه از لحاظ شعار به طور مطلق از جامعه برچیده شد و دولت‌هایی برپا گردید که به هیچ وجه مشروعیت خود را از دیدگاه اسلام کسب نکرده‌اند.

درخصوص همکاری با حکومت‌های نامشروع و موجود و این که در برابر آنان باید چه موضعی اتخاذ کرد دو دیدگاه وجود دارد: چون حفظ نظام کلی و وحدت و پیوستگی جامعه اسلامی واجب است لذا همکاری با حکومت‌های نامشروع و موجود را در حد ضرورت مجاز کرده است، براساس دیدگاه دوم تأسیس حکومت اسلامی برای اجرای دستورات دینی واجب است اما مبنای فقهی اهل تسنن این است که اگر تعیین حاکم اسلامی در دولت اسلامی از راه غلبه، قوه قهریه و موروثی نباشد تنها با ملاک اصل شورا که دارای دو ساختار عمومی و خصوصی است معین می‌شود دیدگاه فقهی معروف و مشهور شیعی با دیدگاه فقهی سنی در این مسئله اختلاف بنیادی دارد زیرا بر مبنای کلام شیعی امام معصوم زنده است و خلا در اقتدار و سلطه اسلامی نه به جهت عدم وجود امام است بلکه به علت غیبت اوست و این غیبت به سبب شرایطی است که با تسلط حکام جائز بر امت اسلامی پدید آمده است، تمامی فقهای شیعه در اصل شورا مناقشه دارند و آن را برای مشروعیت دادن به حاکم انتخابی یا انتصابی پایه و اساس درست نمی‌دانند و لذا اقتدارش نامشروع است.

در مسئله تأسیس حکومت در زمان غیبت امام، میان فقهای شیعه

دیدگاه اول: نظر فقهای است که بنیان نهادن حکومت اسلامی را در این زمان حرام می‌دانند زیرا به نظر آنان ولایت مطلقه مختص پیامبر و امام معصوم است و ولایت دیگری نفی می‌گردد، نتیجه این دیدگاه فقهی عدم مشروعیت تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت کبراست.

دیدگاه دوم: نظر فقهای است که تأسیس حکومت اسلامی را در زمان غیبت کبرا مشروع می‌دانند و مسلمانان باید در این راستا تلاش کنند، آنان بر این باورند که طبق ادله فقیه جامع شرایط در عصر غیبت کبرا به عنوان ولی مطلق و ولایت تصرف بر مسلمین از ناحیه امام منصوب به نصب عام شده است و به موجب این ولایت هر ولایتی که برای امام معصوم ثابت است برای فقیه نیز ثابت است بنابراین تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت براساس ولایت فقیه به همه تصرفاتی که بر تأسیس دولت اسلامی و برپایی حکومت اسلامی و استمرار و اعمال اقتدار خود بر اموال و جان مردم مشروط شده است مانند سایر حکومت‌ها - اما بر پایه تطبیق شریعت اسلامی - مشروعیت می‌دهد. البته آیه‌الله شمس‌الدین بحث درخصوص ولایت فقیه را در کتاب مستقلی پی گرفته است.

#### پیوست‌ها و ضmann کتاب

کتاب «جامعه سیاسی اسلامی» (مبانی فقهی و تاریخی) دارای چهار پیوست است.

پیوست اول: پژوهشی درباره انکار ضروریات دین و آثار آن.

پیوست دوم: خلافت انسان بر روی زمین (بحث قرآنی)

پیوست سوم: عهدنامه مسلمانان و یهودیان مدینه و بررسی صحت سند آن.

پیوست چهارم: متون فقهی درباره همکاری با حاکم ظالم

فهرست آیات قرآن کریم، فهرست روایات، فهرست کتاب‌ها، مکان‌ها، قبایل و نیز مهمترین منابع و مأخذ از ضmann کتاب است.

کتاب مورد بحث با وجود همه مزایا و محسناتی که دارد از نظر ویرایش اشکال دارد، اغلاط چاپی زیادی در آن مشاهده می‌شود و نیز خلط مباحث و تکرار مطالب در پاره‌ای از فصول آن دیده می‌شود.

